



14 جولای 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی گذرا بر ظهور و سقوط اولین نظام جمهوری در افغانستان

(از کودتای 26 سرطان 1352 تا کودتای 7 ثور 1357)

این نوشته مشتمل بر پنج قسمت است: 1- نظری به دوره های کاری شهید محمد داؤد خان، 2- بررسی مختصر از دهه "قانون اساسی"، 3- کودتای 26 سرطان، 4- رویدادهای عمده دولت جمهوری، 5- کودتای ثور و سقوط نظام جمهوری.

مقدمه

شهید محمد داؤد خان مؤسس اولین نظام جمهوری در افغانستان مردی بود که از 1311 تا 1357 جمعاً برای مدت 46 سال بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در صحنه سیاسی و اداری کشور نقش داشت و خدمات فراموش ناشدنی را برای اعتلای کشور انجام داد که شرح همه در این مختصر نمی گنجد، و اما لازم است مختصری از کارنامه های این شخصیت مهم و برجسته ای تاریخ معاصر کشور را به مناسبت چهل و دومین سالگرد تأسیس اولین نظام جمهوری در افغانستان که متأسفانه عمرش بسیار کوتاه بود، در این نوشته به بررسی گرفت. از آنجائیکه ریشه های عمیق کودتای 26 سرطان 1352 به دوره های قبل از آن برمیگردد، ناگزیرم نگاه اجمالی به رویداد های مهم دوره صدارت محمد داؤد خان و نیز به دوره مسما به "دهه قانون اساسی" بیندازم، البته تا جائیکه به موضوع مورد بحث ارتباط میگیرد. ناگفته نباید گذاشت که شهید محمد داؤد خان مثل هر شخصیت بزرگ دیگر از خود موافقان و مخالفانی دارد که یک امر بدیهی است. در اینجا سعی بر آنست تا دور از حب و بعضی های معمول، توجه را به نکات برجسته دوره خدمت موصوف مبذول دارم و به بعضی سؤالهای مهم در رابطه با چگونگی ظهور و سقوط نظام جمهوری، آنهم در حد یک رساله و نه یک کتاب جامع که همه موارد را دربر گیرد، پاسخ گویم.

(قسمت اول)

نظری به دوره های کاری شهید محمد داؤد خان

محمد داؤد خان فرزند محمد عزیز خان (پسر ارشد سردار محمدیوسف خان) و برادر زاده و داماد اعلیحضرت محمد نادرشاه بود که در سال 1287 شمسی (1909) در کابل متولد و در سال 1300 ش با اولین گروه متعلمان افغانی در دوره سلطنت اعلیحضرت شاه امان الله غازی جهت تحصیل به فرانسه اعزام شد و مدت 9 سال را که پدرش سرپرست محصلین و کاکایش محمدنادر خان وزیر مختار افغانی در پاریس بود، در لیسه "جیسن دوسیلی" درس خواند. در 1310 (1931) پس از سقوط امیر حبیب الله کلکانی و آغاز سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه به وطن برگشت، در کورسهای پیاده برای مدت یکسال تربیت نظامی گرفت و در 1311 به رتبه فرقه مشر (جنرال) نائل آمد و از همین مقام به بعد

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولۍ

حیات سیاسی محمد داؤد خان آغاز میگردد که گاهی در اوج قدرت، مدتی درکنج عزلت و بعد در راس کشورتاهنگام شهادت (ثور 1357) مدت 46 سال دوام میکند که آنرا میتوان بطورکل در چهاردوره خلاصه کرد:

- 1 - قدمه های اول،
- 2 - دوره صدارت،
- 3 - دوره "عزلت"،
- 4 - دوره جمهوریت

قدمه های اول قدرت:

از آنجائیکه دوره های "صدارت" و "عزلت" محمد داؤد خان بعداً در راه اندازی کودتای 26 سرطان 1352 بسیار تأثیرگذار بوده است، از شرح کار کردهای او در دوره "قدمه های اول قدرت" با این اختصار بسنده کرده و توجه را به دو دوره بعدی معطوف میداریم.

محمد داؤد خان (سردار محمد داؤد) در دوره قدمه های اول در مقامهای ذیل ایفای وظیفه کرد و اساساً در همین دوره قدم بقدم شروع به نقش آفرینی برای رسیدن به مقام صدارت نمود:

- نایب الحکومه وقوماندان عسکری ولایت قندهار (1314)،
- رئیس تنظیمه وقوماندان عمومی قوای مشرقی (1317)،
- قوماندان قوای مرکز درکابل (1318)،
- وزیرحربیه درکابینه عمش شاه محمود خان غازی (1325)،
- سفیرافغانی درپاریس (1326) (1948)،
- مجدداً وزیرحربیه تا سال 1332 (1953).

دوره صدارت:

این دوره که از 16 سنبله 1332 (6 سپتمبر 1953) تا 19 حوت 1341 (10 مارچ 1963) تقریباً مدت ده سال را دربرمیگیرد، به مقایسه گذشته یکی از دوره های پرتحرک، ارتقائی، با نظم و دسیپلین درکشور محسوب میشود که اثرات آن بطور مستقیم ویا غیرمستقیم تمام شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را از آن زمان تا حال تحت الشعاع قرار داده است.

محمد داؤد خان که درتحکم، انضباط و تطبیق قانون شهرت بسیار داشت و حتی بعضی ها با مبالغه این خصلت او را به امیر آهنین افغانستان - امیر عبدالرحمن خان مشابیهت میدهند و او را شخص مستبد و خود کامه میدانند، اما در واقع چنین نبود، بلکه او انضباط و دسیپلین را یک اصل مهم در اداره سالم متکی به قانون درکشور میدانست و به آن سخت منهنمک بود. درعین زمان او میخواست مثل شاه امان الله غازی یک اصلاح طلب (ریفورمیست) باشد وکشور را به سمت پیشرفت وارتقا بکشاند. وقتیکه به مقام صدارت رسید، توانست نظم از هم گسیخته سالهای اخیر دوره صدارت شاه محمود خان را با جدیت و حتی از طریق شدت عمل مجدداً برقرار کند.

محمد داؤد خان با استفاده از تجارب تلخ رژیم امانی متعقد بود که بدون تقویه بنیه نظامی، رویدست گرفتن اصلاحات میسر نخواهد بود. او برای تقویه بنیه نظامی کشورچه در پست وزارت حربیه و چه در زمان صدارت خود بار ها کوشید تا کمک امریکا را جلب کند که به این درخواست او وقعی گذاشته نشد. امریکا مسئله پشتونستان و مشکل افغانستان را با پاکستان بهانه ساخت، زیرا پاکستان هم پیمان امریکا بود و از کمک نظامی به افغانستان دریغ کرد. بی اعتنائی امریکا موجب شد تا محمد داؤد خان پس از تصویب لویه جرگه دست کمک به سوی شوروی (رقیب امریکا) دراز کند. شوروی سالها منتظر چنین فرصت بود و با آغوش باز نزدیکی محمد داؤد خان را پذیرفت و کمک های نظامی

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

و اقتصادی خود را آغاز کرد. به این اساس افغانستان به حیث یک کشور غیرمنسلک باحفظ نزدیکی با شوروی توانست سیاست "توازن بین شرق و غرب" را پیش گیرد و داخل بازی خطرناک بین این دو قدرت رقیب گردد که حفظ توازن واقعی بین آنها کار دشوار بود. (برای مزید معلومات دیده شود مقاله: "آیا اغماض امریکا موجب شد تا افغانستان در دام شوروی افتد؟"، از این قلم، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 4 دسمبر 2014 در سه قسمت)



طرح و تطبیق پلان پنجساله اول با تمام نارسائی ها و مشکلات آن اثر بزرگ در انکشاف اقتصادی کشور داشت و ادامه آن در پلان پنجساله دوم طرح ریزی گردید که یک قدم مهم در راه تحول قابل ملاحظه در کشور بود. جلب امداد خارجی و توسعه مناسبات سیاسی با کشورهای جهان از یکطرف برحیثیت سیاسی کشورافزود، و اما از طرف دیگر باتعقیب مساله "پشتونستان" و تیره شدن روابط با پاکستان و بسته شدن راه ترانزیتی مشکل اقتصادی کشور را زیاد ساخت. در ساحه اجتماعی نهضت زنان و رفع به اصطلاح "حجاب" یکی از بزرگترین قدم های این دوره میباشد که باموفقیت تام رویدست گرفته شد. در ساحه معارف نیز انکشاف قابل ملاحظه از نظر کمیت صورت گرفت، ولی فقدان یک پروگرام ملی در معارف از یکطرف و کنترول بیش از حد بر آن موجب شد تا جوانان برای رهایی از این فشار بسوی ایدئولوژی های چپ و راست افراطی گرایش پیدا نمایند و تهداب اول این نوع تمایلات فکری بطور مخفی در کشور گذاشته شود.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

پادشاه افغانستان که در سه دهه اول سلطنت با موجودیت حکومت های "خاندانی" خود را در امور کشور درحاشیه احساس میکرد، تدریجاً تصمیم گرفت تا زمام امور را بدون "شریک السلطنه" در دست گیرد، لذا از قدرت روزافزون محمد داؤد خان طی سالهای اخیر صدارتش در اندیشه بود. در عین زمان بروز اختلاف در داخل خاندان بین سردار عبدالولی و محمد داؤدخان، پادشاه را در یک موقف بسیار حساس بین دو پسر عمش که یکی داماد و دیگر شوهر خواهرش نیز بودند، قرار داد. محمد داؤد خان در قبال این اختلاف خاندانی عین احساس را داشت و میخواست سلطنت را از حکومت جدا سازد و با تشکیل یک حزب سیاسی با کسب اکثریت پارلمانی در راس حکومت قرار گیرد. او به همین منظور در آخرین سال صدارت خود دو نامه بحضور پادشاه نوشت و پیشنهاد تغییر نظام شاهی عنعنوی (نیمه مطلقه) را به نظام شاهی مشروطه ارائه کرد. وقتی این پیشنهاد از طرف شاه جواب مثبت نیافت، محمد داؤد خان از مقام صدارت استعفی داد. (برای مزید معلومات دیده شود مقاله: "نامه های سردار محمد داؤد به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه"، از این قلم، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 26 می 2015)

دوره عزلت (خانه نشینی) :

این دوره با استعفای محمد داؤد خان از صدارت بتاريخ 19 حوت 1341 آغاز و تا کودتای 26 سرطان 1352 (17 جولای 1973) دوام کرد. اعلیحضرت پس از قبول استعفای محمد داؤد خان از صدارت، داکتر محمد یوسف یکی از وزرای دیرینه کابینه او را به صدارت گماشت که با اینکار حکومت های "خاندانی" برای اولین بار بعد از 30 سال جایش را به یک حکومت "غیرخاندانی" داد. با این تحول مرحله جدید در سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه آغاز گردید که پادشاه بطور مستقل و بدون "شریک السلطنه" دست بکار شد و به صدراعظم جدید وظیفه داد تا در مورد تهیه قانون اساسی جدید اقدام نماید. همان بود که با توظیف یک کمیسیون هفت نفری قانون اساسی تسوید و بعد از تدقیق توسط یک کمیسیون مشورتی، در لویه جرگه مورخ 18 سنبله 1343 (9 سپتمبر 1964) تصویب و متعاقباً بتاريخ 9 میزان 1343 (اول اکتوبر 1964) توشیح و نافذ شد.

یکی از مواد بسیار مهم و جنجال برانگیز این قانون اساسی همانا ماده بیست و چهارم آن بود، با این متن که:

«پسر، دختر و برادر و خواهر پادشاه و ازواج و زوجات و ابناء و بنات شان و عم و ابنای عم پادشاه خانواده شاهی را تشکیل میدهند. در تشریفات رسمی دولت خانواده شاهی بعد از پادشاه و ملکه اخذ موقع مینمایند. مصارف خانواده شاهی در بودجه مصارف پادشاهی تعیین میشود، القاب مختص به خانواده شاهی میباشد و مطابق باحکام قانون تعیین میشود.

اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی ورزند و وظایف آتی را اجرا نمیکند:

1 - صدارت عظمی یا وزارت.

2 - عضویت شورا.

3 - عضویت ستره محکمه.

اعضای خانواده پادشاهی حیثیت خود را بصفت عضو خانواده پادشاهی مدام الحیات حفظ میکنند.»

(قابل ذکر است که جمله اخیر در مسوده قید نشده بود و اما وقتی مسوده جهت تصویب به لویه جرگه 1343 رویت داده شد، جمله فوق بر متن افزود گردید و مورد تصویب قرار گرفت.)

پادشاه در مورد ماده 24 ضمن تأیید کلی، از صراحت آن ابراز تشویش داشت و یکی از حامیان این ماده را که عضو فعال کمیسیون تسوید بود، بحضور احضار و برایش در زمینه گفت که: «عملاً ما باید اینکار را بکنیم، اما اگر به صراحت مذکور باشد، برای من مشکلات خانوادگی ایجاد میکند. بهتر است مسکوت گذاشته شود»، و نیز اعلیحضرت در مورد فقره "جانشین پادشاه" به این عقیده بود که مواد مذکور از متن مسوده کاملاً کشیده شود و «جانشین آینده سلطنت را به

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

اختیار مردم افغانستان بگذارید تا خود مردم هرچه مناسب بدانند، عملی کنند....» (سید شمس الدین مجروح: "سرگذشت من"، چاپ کابل، 1391، صفحه 145 و 146)

اما طوریکه دیده شد، جریان طوری چرخید که به حکم ماده 24 این حق از محمد داؤد خان که خواهان رسیدن بقدرت از مجرای قانونی بود، بطور قطعی سلب گردید و حتی اگر او انصراف خود را از منسوبیت به خانواده سلطنتی اعلام میکرد، ازین حق هم محروم ساخته شد و با اینکار مردی را که در حدود چهل سال به نحوی در بالای هرم قدرت قرار داشت و به حیث یک تبعه کشور خواهان خدمت به وطن بود، او را به حکم ماده 24 قانون اساسی از این حق محروم کردند و بیک "پلنگ زخمی" تبدیل نمودند که سخت در برابر نظام و کسانیکه چنین وضع را براه انداخته بودند، عقده مند ساخت و حتی روابط عادی خود را با پادشاه و خانواده در حالت تعلیق قرار داد.

نا گفته نماند که اگر فقره ششم ماده 24 مانع اعلام قطع منسوبیت یکی از اعضای خانواده شاهی از عضویت آن نمیگردید، در آنصورت زمینه برای محمد داؤد خان فراهم می شد (اگر میخواست)، تا از این راه به هدف خود که تشکیل یک حزب بود، به فعالیت سیاسی آزاد و قانونی بپردازد که در اینصورت به نظر اینجا نب جریان رویدادهای بعدی به یک شکل مثبت و سالم تغییر مسیر میکرد و آینده کشور و نظام را به خطر نمی انداخت. (برای شرح مزید دیده شود مقاله: "چرا و چگونه محمد داؤد خان را بیک مخالف سرسخت نظام تبدیل کردند؟" از این قلم، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 15 جون 2015، قسمت اخیر)

با آنکه محمد داؤد خان در طول ده سال "عزالت" همان وقار و حیثیت همیشگی خود را کاملاً حفظ کرد و در هیچ مجلس سیاسی اشتراک نوزدید و با هیچ روزنامه مصاحبه نکرد و در هیچ جا و هیچ مناسبت به سخنرانی نپرداخت و کوشید بیشتر اوقات خود را با فرزندان و فامیل خود بگذراند، اما در دل برای نیل به هدف اصلی خود مبنی بر تغییر نظام بطور غیرمستقیم از انتقاد بر نظام خودداری نکرد و با وجودیکه ظاهراً به اصطلاح "خانه نشین" بود، اما از کار و فعالیت های سیاسی بطور مخفی به مقصد رسیدن بقدرت دست نکشید و با استفاده از نفوذ و شناخت قبلی، در پیشبرد پلانهای بعدی خود مصروف بود. در اینحال کسانیکه با نظام بطور کل مخالف بودند، به شمول گروه های ضد سلطنت و عده ای از چپگراها بعضاً مستقیم و اما بیشتر غیرمستقیم از طریق دوستان با او ارتباط برقرار کردند و اوتوانست بعضی فعالیتهای تخریش کننده را از آن طریق در شوری، مطبوعات غیرحکومتی، در بین شاگردان معارف و حتی در داخل کدرهای رسمی علیه حکومت های آن دوره رهنمائی کند.

(ادامه در قسمت دوم)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلېکنې د ليکنيزې بڼې پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولۍ